

۲۷

۰۴
۳۳۸ / ۱۰ / ۱۹
اسکن شد

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: عمارة النافذة لمب
مؤلف: محمد رفیع خان بن محمد الی

مترجم
موضوع
شماره قفسه ۴۹۷۳

شماره ثبت کتاب ۹۰۶۵۰

۹۰۵۷

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48

۲۷



کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	عجالة النافعة لمحب
مؤلف	محمد رفیع خان بن محمد علی
مترجم	
موضوع	
شماره قفسه	۹۷۲۳
شماره ثبت کتاب	۹۰۴۵۰

فایده المافیه نامده طبعه

۳۰۰/۰۰۰/-

مجموعه المافیه در طب
لسته



کتابخانه الموقرانی المصنفه
کتابخانه

۵۹۷۲
۹۰۶۵۰

بازدید شد
۱۳۸۲

کشتن نسبه تا هم گفته اغلب مصري تمام جریک سینه با جگر برزنگ قدری کوفته خمر عسل و آب هر چه چشیده اند در جب فخر
نحوه شربت یک مثقال تاک در و نیم با آب سالانیه یا آب الکوثر شش بنامانی کوفته در آن تر کرده باشند سیاه
کفرا اندک اسماک تمام آرد و جگر یک در و نیم خود را بر شش فراموشی دارد آن سیاه از آب و سیاه کمر کرده اند و اجوان
خاص هر یک سه در و نیم کوفته در شیر بهر گنجی حل کنند و در آب خشک کنند و همچنین غث کرک مانند سبک کینه فاقه قرطبه یا لایق
نحوه جان خود را قفسل بر باز هر یک در و نیم کوفته خمر بهر گنجی حل کنند و در آب خشک کنند و در وقت حاجت بعد از آن که گلباس و یک گری
از نشانه انداخته باشد یک جب فروخته و بعد از آن که گری شمع در معاج کنند و فغانان کنند مرون گان و در و نیم سافه
و شکم سبک شوند **در آب** از غمات صاحب کوفته گری شاه عباسی بودیم بعد از شش ساعت غوطه انداخته و شش ساعت آب سرد
بر بل دست و دواشن او در و نیم موجب غوطه خوش گوشت و دان هست **در آب** انگه صلیقی قفسل هر یک مثقال غصه شرب
فخره اغلب بنحو جان هر یک و در مثقال کوفته خمر بهر گنجی حل کنند و در وقت حاجت بعد از آن که گلباس و یک گری
باز شربت کمره با آب تره تیرک یا آب خود خام خوشند و در این جب تا نیم مثقال تنوان خود در و نیم طوب نایز زیاده از آن هم
میل نماید تا هم وصف هم این سافه و دواشی از فایده نیافته لیکن اینقدر سافه و دواشی است الطریقی استعمال علی العدم
منفعت میکند **در آب** و اسماک نوشته اند تا هم دارد **در آب** آن قوری سفید و در پی سبک کرانج سافه کوفتی طخوان
قفسل بنحو جان مصري هر یک نیم خود را بلسار صلیقی نیون حب النیل سفید و سبک شمشاق یا قافه صفا را با شرب و در پی
کمره صندل سفید سبیل الطیب و جوز قی در و نیم قوری نو زدن صحنی نیم کمره هر یک در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
قفسل شش بنیم سفید یا شربت اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
نات صندل اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
و دیگر گویند و بنیم در قفسل اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
و شربت و اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
و قفسل در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
و نیم غلیظ کالی اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
بست است شربت اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
قفسل اوانی هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
هر یک در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
خوب سازند **در آب** در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
خود را در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم
در و نیم در القصب و در و نیم قفسل شش کمره در و نیم داری شش مثقال مصري بنیم سفید نیم

و ساد و اشکال از این بر وی سس طمان تازه گویند و نهاد و نایند تا سه روز بماند تا بوی آن
 سیاه و خاکلی نماند و بگویند و نهاد و نایند تا سه روز بماند تا بوی آن سیاه و خاکلی نماند
 بعد بر سر جگر است **س** با بوی نخل گند و بوی بسته مساوی ملاطبت بود بر موضع بر سر نایند از بیاض غم غم نخل شده **د** و اگر
 کلف **س** پوست خنجر و اشکال مرئی به تخم ترنجه و بوی شکر محلول محلول نصیب شود و بوی نخل با غلظت نخل با بوی نخل
 چینی از دم واحد یک خمر و او در بار یک ساینده نگاه دارند و بعد رجعت گرفته باب ترب نیمه گرم و بر موضع ملا نایند **د** و اگر
 دیگر ترسین غلظت شکر خمر و او در بار یک ساینده نگاه دارند و بعد رجعت گرفته باب ترب نیمه گرم و بر موضع ملا نایند **د** و اگر
 به خرج از دوا و دود و تخم ترب نیمه گرم و او در بار یک ساینده نگاه دارند و بعد رجعت گرفته باب ترب نیمه گرم و بر موضع ملا نایند **د** و اگر
 آب سرشته ملا نایند و باب نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 خاکستر نخل بنویسند و خاکستر نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 استعمال شده و نفع نماند **د** و اگر برای برش و شش مایع النفع است **د** و اگر با دم و بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 از این که در آن انجم بخت باشد سرشته بر وجه ملا نایند **د** و اگر کسی بختی است محقق بعضی از اینها را ملا نایند و خود را بشنود و
 بکشد و غیره و علی که معمول از زود قار تر است بریدن ناشی است پس بجام رنده و کاف بوشند تا قوت آمدن شکر مرغ
 پس لحاف دور کنند و آب بیکم بر بدن اندازند تا که رطوبت آن در بدن سهاست کنایه است این ملا نایند **د** و اگر
 راجع به آب و شش می ترک مساوی دیگر لطف با و کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 تنوا تر ملا نایند و بر موضع کوباشد بوی برود نایند و کلف ندارد **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 سفید بر بی طین قبولی از دم واحد قدر من در آورند این کرده کل حکمت نایند و در صورتی که بر بدن کشته پس نایند
 و نصف درم بوق و از دود و بان ساینده استعمال نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 و اگر عصاره خطی یا خیار بی در زیت علی کرده و کسی بر خود مالند نه خود کرد و انگس نکرد و اگر پوست ترب را بر کرم نهند
 بپزد و بچین آب ترب و آب برگ آن و آب دانه و دره و اگر کرم باشد کرم نماند و اگر خطی در آب جوشان
 آن آب را در نهان پراکنده کنند بیکان بپزند و اگر خون بر بدن و دهن کندی بیکان انجم جمع شوند **د** و اگر سفیدی موضع
 حجامت دور کنند **س** و اگر سنگ سفید کرده بعد فراغ از حجامت با نخل و بچین خورده ساینده و ساقی اندازند
د و اگر نفع نیابد بخش بر روز چند بار کرم که نخل نایل را از کنگر و از بار چوب نماند که با نخل کنگر آلود شود
د و اگر دمایل از شکال نخل یا این سستی سازه آب نماند و با بوی نخل و کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 قدری در دهن بچیند بر سر نخل نایند و نخل نایند و نخل نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 با سکه چند روز بچیند بر سر نخل نایند و نخل نایند و نخل نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 بسایند و موضع بر سر نخل نایند و نخل نایند و نخل نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 با دکان و آب نخل و بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر

بسیار معجون **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 با نخل و بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 از این که در آن انجم بخت باشد سرشته بر وجه ملا نایند **د** و اگر کسی بختی است محقق بعضی از اینها را ملا نایند و خود را بشنود و
 بکشد و غیره و علی که معمول از زود قار تر است بریدن ناشی است پس بجام رنده و کاف بوشند تا قوت آمدن شکر مرغ
 پس لحاف دور کنند و آب بیکم بر بدن اندازند تا که رطوبت آن در بدن سهاست کنایه است این ملا نایند **د** و اگر
 راجع به آب و شش می ترک مساوی دیگر لطف با و کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 تنوا تر ملا نایند و بر موضع کوباشد بوی برود نایند و کلف ندارد **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 سفید بر بی طین قبولی از دم واحد قدر من در آورند این کرده کل حکمت نایند و در صورتی که بر بدن کشته پس نایند
 و نصف درم بوق و از دود و بان ساینده استعمال نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 و اگر عصاره خطی یا خیار بی در زیت علی کرده و کسی بر خود مالند نه خود کرد و انگس نکرد و اگر پوست ترب را بر کرم نهند
 بپزد و بچین آب ترب و آب برگ آن و آب دانه و دره و اگر کرم باشد کرم نماند و اگر خطی در آب جوشان
 آن آب را در نهان پراکنده کنند بیکان بپزند و اگر خون بر بدن و دهن کندی بیکان انجم جمع شوند **د** و اگر سفیدی موضع
 حجامت دور کنند **س** و اگر سنگ سفید کرده بعد فراغ از حجامت با نخل و بچین خورده ساینده و ساقی اندازند
د و اگر نفع نیابد بخش بر روز چند بار کرم که نخل نایل را از کنگر و از بار چوب نماند که با نخل کنگر آلود شود
د و اگر دمایل از شکال نخل یا این سستی سازه آب نماند و با بوی نخل و کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 قدری در دهن بچیند بر سر نخل نایند و نخل نایند و نخل نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 با سکه چند روز بچیند بر سر نخل نایند و نخل نایند و نخل نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 بسایند و موضع بر سر نخل نایند و نخل نایند و نخل نایند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر
 با دکان و آب نخل و بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر کرم بر بوی شکر آب و نخل بنویسند **د** و اگر

۱۰۰

[illegible][illegible]

[illegible]

نتیجست درم اثره و جو شانه دادرل باشد صاف نمایند و قند سفید کهن را ضافه کرده و قوام از درم شربت کو قند شربت
خبره ریبار و برای امراض حار و امراض کویه و مثلاً سفید س پوست خج کاسنی هفت درم تخم خرما و تخم بادرنگ تخم
خیار و نه هر یک یک چهارم تخم تر بنزد و درم قند سفید کهن بطریقه معهود و مرتب سازند و اگر شربت از سردی بار و
سفر علی خود انجا کجای قند اب ریسمین بوزن قند داخل نمایند **شربت هند** جهت تب و افعی و جگر و دل و معده و نافع
است **س** شکر سفید صمد رطل و آب حل کرده بخوشا کنند و کف بر دارند پس آب کاسنی مرقی یک رطل مقطر نیند و قوام از درم شربت
رسد قدری آب لیمو نیزه اخذ نمایند **شربت** قسمت اصل هند با کورتب یا لیمو دو و صد و توان داد و جهت عفو
از عرق حامد اگر چه افسوس زرننگ را و ندی خورد و شکر اخضر و قند و قوتب معده و تحنن لون نافع است
خبره **الان** پوست خج کاسنی در او قدیم در او نیم کوفته و آن قدر آب که مطلوب باشد تر کنند و بخوشا کنند و صاف نمایند
پس کلاب و عرق کاذر آن هر یک یک رطل و آب کاسنی مرقی صمد و قند سفید خج رطل اخضر قوام از درم شربت **هند**
جهت امراض جگر و نفخه و داود و اصلاح مزاج و بی افعی است **خبره** **الان** پوست خج کاسنی خج را زیاد هر یک یکس درم تخم
کاسنی یک و نیم و قند و غا کاذر آن اصل السوس تخم کلوث بز قند تخم قطعی هر یک و دو درم شکافی با و درم مرکب خیمه
لک لبر جادرم امیر باریس صندل سفید شش خاف افشین رومی هر یک یک درم اسارون یک مثقال انجیر کو
است تکوب کنند و در آب بسیار گرم یک مثقال بنزد و تر نمایند بعد صاف کرده با خج رطل قند سفید و صمد و درم آب
مرق کاسنی و تخم رطل سرکه و غیره و کفند و در او قریب لیمو اخضر و سرکه و قند با زیاد قوام از درم و لیمو صمد و درم
از الش رنودین که مثقال کوته بخور نمایند و در اند **شربت** که اکل الحشیش و افضل المصنوع و الدیقین و صافی والد با عروق
الاک حکم محمد رطل غان پنجده یک رطل غان درم درم استسقا و درم مکرک و غیره و درم صندل با زرافه نافع افتاده بود و درم
آن خج کرکس خج از زیاد تخم کاسنی کاذر آن کیلانی کل غیلو تخم کرکس شکافی ریوندین غلب الشب کل سرخ خار
شک از هر یک و دو درم خج کاسنی تخم تر بنزد و صمد و زرننگ لیمون از هر یک یک درم تخم خیار بن چهار درم تخم کلوث
موزینی هر یک یک چهارم خج سوس مثقال لیمو و لیمو خند خج جو شانه و صاف نموده با مرکبین یک درم قوام از درم **شربت**
السبل صمد و قند و قند **الان** **الان** الو سب و صمد و تر بنزد یک چهارم یک تر بنزد سفید شربت از هر یک یک درم
در یک است و درم خج من آب کلوث شکر یک من او دینک نالند و بیالانند و یک من تر بنزد صاف نموده و صاف نمایند
و شربت نیزه درم و کیزه و یک مثقال تخم و آن حل کنند **شربت** الو که جهت تب باری و موی قلابی و قطنی و صمیات
صغری و نافع است **خبره** **الان** **الان** الو بزرگ صمد و تر بنزد نیم رطل جادرم و درم رطل بخوشا نند و یک رطل آب باشد
صاف نموده پس آب بار و آب حاض را پنج هر یک نیم رطل اخضر و قند و زرننگ نیم نیمه با نصف رسد بعد قند سفید
یک رطل و کلاب ربیع رطل امیزد و قوام از درم و درم با نوز و درم همت و درم مع و درم تخم خیمه و کوب بار یک مثقال
باشد نمونند و اگر است قوی باشد و غشش شد بدو و درم شربت او با شیر نیم استخوان قدر حاجت امیزد و تر بنزد
شربت حب الاس **خبره** **الان** **الان** و مقطر که مثقال حب الاس و مثقال پوست خج انجیر کافران کل سرخ

۱۰۰

۲۰ در حق کاسی حرق با این حرق
 من القدر حق کاو زبان حرق
 شاه پرتو هر نیم غل ص

[illegible][illegible]

بنام الطبرستان که در آن وصف شده است

عشر مشتاقان عبارت از اهل
مجلس است و در این مجلس

در یک مثقال غیر الشب س و در نیم تو ل نبات سفید نیم سیم لکبری کلاب نرودی یک شیش نبات اصفاف نموده و قوام
آورده و غیره در آن حل نموده تیر نمید نظره و قطره کلاب میدارد باشند اسفید گرد و و قوام قریب آید بعد از آن در
خواب نقره یا بنیسمه و اور نموده و اقرص سازند در نیم کوکب اگر عشره وزن طلا مخلوط با و قریب طلا انداخته تا نیمه بماند و در
افعال خود قوی خواهد شد و در اوقاض مطلوبه بعد از قریب در شش یک سیم کرب و درم معده و دیگر و تنها با قوی داشته
باشد و بود در عصاره در شش یک مثقال تخم خیارین و تخم تخم نیم کوکب و درم کل سرخ و تخم تخم از هر یک شش درم
تخم کثوت رب السوسن طباشیر کلاسی معطر کلاسی سنبلی الطیب عصاره خاغت نموده و لک خنجر ریو دینی از هر یک
دو درم و زعفران نیم درم کوکب تخم کبریا سیرشته اقرص سازند در نیم کرب و درم معطر در شش یک مثقال عصاره پانزده درم
تخم کلاسی تخم خیارین از هر یک س و درم کل سرخ نیم درم ریو دینی سنبلی از هر یک یک درم لعاب بزر قطره
و اقرص سازند در شش یک مثقال عصاره رب السوسن درم نیم خیارین تخم خرقه کلاسی از هر یک دو
نیم درم کلاب اقرص سازند شربت و و مثقال قریب در شش یک کافوری محلی غیب و حرارت کبد و معده و نافه است
و تشنگی بر نشاند و التهاب را ساکن کرد اند و در آن در شش یک مثقال تخم خیارین و تخم تخم کلاسی و تخم
تخم نیمه از از هر یک س مثقال طباشیر سفید و قی کل سرخ مثقال سفید از هر یک نیم مثقال زعفران یک و لک
کوکب تخم کلاسی شربت سیرشته اقرص سازند شربت یک مثقال قریب خاغت بر قان و در و دیگر و سیر و چهار ربع
لکین را با قی باشند و سده بکنایه عصاره خاغت بیت درم سنبلی و درم طباشیر سفید چهار درم کوکب نیمه نبات
کثوت ساق شربت اقرص سازند شربت یک مثقال قریب لک سنبلی قلی با سودمند بود و سده بکنایه لک
مخلوط ریو دینی از هر یک بیفت درم اسارون زرا و نیم خطیا سنبلی معطر کلاسی تخم کزفسل میون ناخواه از قریب قلی
تخم ادا و تخم قوی خاغت شش اقرص سازند شربت یک مثقال از هر یک یک درم کوکب تخم کلاسی ساقی اقرص سازند
شربت یک مثقال قریب کبریا و قی قلی را با قی بود و سده بکنایه آن پوست تخم کبریا شش از هر یک چهار درم
زرا و نیم خطی و درم شش قلی از هر یک شش درم استقاده و سده بکنایه و با قی او و درم تخم خیارین
سیرشته اقرص سازند قریب ایرسا سیرشته شربت نیم درم آن ایرسا چهار درم قلی سفید اقرص از هر یک دو
درم استقاده و سده بکنایه و با قی او و درم تخم خیارین سیرشته اقرص سازند شربت و درم کبریا سیرشته
قوی قلی را با قی بود قوی و درم ایرسا پوست کبریا و درم قلی از هر یک دو درم کوکب تخم کلاسی سیرشته
اقرص سازند و با قی میون استعمال نماید قریب سنبلی درم صلب کبد و معده و دیگر را با قی بود سنبلی قلی از هر
سلب ریو دینی قصب الزهره از هر یک س و درم زعفران میون قلی از هر یک درم قلی معطر کلاسی از هر یک دو درم
اشق و قلی و درم صلب کبد و درم قلی و دیگر را با قی آن سیرشته اقرص سازند و درم معده و درم صلب کبد و درم
کبد سنبلی قریب که استقاده و سده بکنایه و با قی بود طباشیر کل سرخ کلان در شش یک ساقی کزفسل
تخم حاض تخم کلاسی تخم کبریا از هر یک نیم درم کافوری و لک کوکب تخم اقرص سازند شربت و درم قریب

[illegible]

بخند از اینک اند و از اینک اتفاق باین مستقی کند پس بفرموده از منی و حق مقدر و واحد یک و ادم مایه و دو درم غیر از سه درم ایک آب ندیده و چیدرم چارده سیر مرگین که ستر ستر کین مرغ هر یک و ده درم بروغن بربسته درم و اخیون لفظ سرافا هست یعنی لعاب است بقطره اکیف می کرده پس از آن هر یکی نصف در آن نموده تفاوت و در بعضی نظرد و اوزان ازین راه است و اصل و در آن زیت مردار سنگ و لعاب ناهست و باطلو مرغی است نافع با فضل و اوزان درم و شکر کین اوجاج حاره و او درم گرم ناید و تحلیل بخند بید و مسالاب است و مسکو و نعقد صعب و ریاح و بجز این مرغ و درغن ناهست که شتی تا حمل درم و درم سنگ نیست درم نیم غلیظ استغول تخم مرغ و عذیر تخم گمان هر یک چیدرم تا چیدرم تخم گمان را در شب آب تر کنند و صبح لعاب غلیظ از آن بگیرند و هر درم سنگ با یک ساعه و زیت انداخته برایش نرم بگذارند و بچیزی مسرکت و بندر و درغن آتار در سنگ است بشود و پس از آنکه درغن بسیار کرده و درغن از آنش سر و دارند و لعاب در آن بنده اند و بکوشند تا غلیظ گردد و پس فر و گیرند و سر و نم کنند تا از آن ساخته حاصل آید درم و اخیون درم یک بطری در مصالحات بقطره اکی و وصف آن نموده و گفته اند عالج شکست دوی ایام این ساعه و عذیر تخم کبک باض و کینه و فرغ من پس با المجدید بالمره بنده المرحم الاسرج فسران السعوط باو اعاده و لو کین ایام تخم لعاب استغول لعاب تخم مد لعاب تخم گمان مردار سنگ خام هر یک سه درم و درم زیت انضر که کل صفت هر یک جا کرده و با شش نرم بکوشند تا غلیظ شود و پس این او دوی بیامیزند و این زیت که عبارت از آب سر آرنجیه است که وقت از اذیت زیت مشغل می شود چیدرم با زیت نصف در آن ان خاکستر خوب اگر چیدرم آورد و ترس تلخ سه درم زنگار یک درم و نیم بر بنزد تا چون مرهم شود و بکار دارند درم مال شود و بکار دارند است جهت انبات کلم صالح و دفع کوشش غاب شریانی هر اعات تر مندره البز و بقرع و از شک و ناصور نیز شاف است که کافور قیصری و ال کات بندی هر یک چهار شغال کوفته بچیده با درغن کاذبه که کاردای جموع باشد و در ظرف آهنی کوفته لول مال را بیکه دوسه جوش و بندر بکلیت را بدستور پس کافور بریزند و دیگر جوش بدند و قسم و قید را ناسه روزی با قدری نخل سوخته مسخال بکند بعد از آن خنجا بکار بند درم برمل که سیمی است بر هر سیکو و هر هم سیمی و اخیر این نسخ و دانه عدد است که کو این جهت میبایست بنابر علی السلام ترکیب کرده اند و برای تحلیل و ارام عذیر و خنجر و خوا عین و سر لانات و نعقد جبر اعات از پوست فاسد و او مساج و جته و دیانیدن که شست تازه و دفع شقاق و آزار مکر و جسر و مسخ و دوا صید و بواسیر سود دارد درم جاو شکر زنگار قدر صافی هر یک و دو درم کند زرد و نخل و بل هر یک سه درم مسخ و درم رقیق مردار سنگ چهارده درم و نیم انق بخت درم سوم سفید را پنج هر یک چهارده درم آنچه ساخته است بپزند و مسخ و درم که حل نمایند و شیر اندوز زیت مذاب ساخته و او دوی را بدان بسرشته و بسنگ نکام سر باوود زیت یک نیم رطل کثیر و در زمان که بیک رطل باندند که در بعضی نسخ مرنگ مسطح است و در بعضی نسخا غرض از پنج ملک البطم مسطور است و بدل مرنگ بکنج بگیرد و دیگر چه جبر کمال عدد دانه درم زرد از بغای جهت پاک کردن چرک و کوفت

[illegible]

و قدری در حق آن خسته بنشیند که سینه را بر پشت
برافزیند و چون کند

این کتاب در روز جمعه ۱۲۰۴
 در شهر تبریز در کتابخانه
 آستان قدس مطبوع گردید

